

۱- جوراب مجید نارنجی است .

۲- من از پنجره‌ی اتاق بیرون را تماشا کردم .

۳- پنج گنجشک روی درخت کاج نشسته بودند.

۴- مدرسه‌ی جواد کنار مسجد امام زمان است .



۵- پنج سنجاب در جنگل زندگی می‌کنند .

۶- به جایی که در آن برنج می‌کارند، شالیزار می‌گوییم.

۷- خانه‌ی مجید نزدیک مسجد جمکران است.

۸- من می‌دانم که استکان با فنجان تفاوت دارد.

۹- شکل میوه‌ی نارنج، مانند شکل پرتقال است .

۱۰- جواد مداد نارنجی را از جامدادی برداشت .

۱۱- در بشقاب خاله لילה پنج انجیر شیرین است .



MASHGHAVALI
JANI POOR

۱۲- جنگل پُر از درخت و جانور است .

۱۳- تاج خروس ما قرمز است .

۱۴- آقا جواد برایم لباس دوخت ، لباس من جیب دارد .

۱۵- دست میمون مانند دست ما پنج انگشت دارد .

۱۶- وقتی ما در مسابقه‌ی فوتبال برنده شدیم، جشن گرفتیم .

۱۷- جواد با دستمال ، پنجره‌ی اُتاق را تمیز کرد .

۱۸- من پنج جُفت کفش در جا کفشی قرار دادم .

۱۹- جوجه‌ای زرد پشت در اُتاق جیک جیک می کند .

۲۰- زیر جا کفشی ما ، چیرجیرکی دیده شد .

۲۱- جوجه‌ی گنجشک از لانه‌اش بیرون افتاده است .

۲۲- مجید از آموزگار اجازه گرفت و وارد کلاس شد .

۲۳- امشب در مسجد برای میلاد امام زمان جشن می‌گیرند.

۲۴- مادر بزرگ برایم جانماز گل گلی خرید .

۲۵- جانوران زیادی در جنگل زندگی می‌کنند.



۲۶- این جامدای جدید نیست .

MASHGHAVALI
JANI POOR

۲۷- مادر پرسید: دخترم کجا بودی؟ جواب دادم: مسجد

۲۸- من برای گنجشک و دوستانش دانه‌ی گندم می‌ریزم.

۲۹- کودکان جنگ را دوست ندارند .

۳۰- کشاورزان در شالیزار برنج می‌کارند.